

اخلاق مسالمت میان فرهنگی در قرآن؛ با تمرکز بر واژه ناس به عنوان واژه‌ای پیشا دینی

سومین نشست از جلسات در محضر نور روز دوشنبه، سی‌ام فروردین، مطابق با ششم رمضان المبارک، توسط معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی برگزار شد. در این نشست پس از قرائت آیاتی چند از کلام الله مجید، دکتر صانع‌پور سخنان خود را به این مقدمه آغاز کردند: پیامبر مبعوث شد تا مکارم اخلاق را کامل کند و معجزه‌اش قرآن بود که سراسر اخلاق است. دو گونه گفتمان اخلاقی را می‌توان از قرآن برداشت کرد:

۱- اخلاق حداکثری یا اخلاق مومنانه

۲- اخلاق حداقلی یا اخلاق انسانی با محوریت واژه «ناس» که می‌توان از آن «با عنوان اخلاق میان‌فرهنگی یاد کرد.

در دین اسلام مسالمت، مهم‌ترین اصل اخلاقی است زیرا نام اسلام از سلم و مسالمت مشتق شده و بر سر هر یک از سوره‌های قرآن، آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» - که رحمانیت عام پروردگار را نسبت به همگان تداعی می‌کند، تکرار می‌شود. براساس کلیدواژه قرآنی «ناس» می‌توان اصول «اخلاق مسالمت» را صورت‌بندی کرد. دکتر صانع‌پور در ادامه، این اصول اخلاقی را به با خصوصیات زیر تبیین کردند:

اولاً) بر مبانی انسان‌شناسانه قرآنی مانند پاک‌نهادی بشر، و نیز برادری و برابری همه افراد بشر، پایه‌گذاری شده؛

ثانیاً) در زمینه‌های اخلاق همگرایانه‌ای مانند رحمت، وحدت، امنیت و صلح عمومی شکل گرفته؛

ثالثاً) اصول اخلاق مبتنی بر مشترکات فطری همه افراد نوع بشر به‌گونه‌ای صورت‌بندی شوند که در هر یک از اصول، همه زمینه‌های مشترک زیست اخلاقی قرآن، و نیز همه مبانی انسان‌شناسانه قرآن حضور داشته باشند تا نظام اخلاقی منسجمی برای ارتباط مسالمت‌آمیز میان فرهنگ‌ها و ادیان مختلف جهان شکل گیرد؛ اخلاقی که مبتنی بر وجوه اشتراک «امت انسانی واحد»^۱ است.

ایشان در ادامه سخنان خود به آیه ای از قرآن کریم اشاره کردند که می‌فرماید «ما تو را جز به‌منظور رحمت برای عالمیان فرو نفرستاده‌ایم»^۲ (انبیا / ۱۰۷) و پیامبر اسلام فرمود «علت بعثت من کامل کردن بزرگواری‌های

^۱. كَانِ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً (۲۱۳/ بقره)

^۲. وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

اخلاقی است»^۳ بر این اساس اسلام علاوه بر ارائه یک نظام اخلاقی حداکثری برای مسلمانان، یک نظام اخلاقی حداقلی مبتنی بر مشترکات انسانی را نیز به جامعه بشری عرضه کرده تا صلح و امنیت را در میان همه فرهنگ‌ها و ادیان برقرار کند زیرا آیه ۳۰ سوره روم انسان‌ها را دارای سرشت الهی مشترک معرفی می‌کند و به این ترتیب زمینه‌های همگرایی اخلاقی را در میان ملل مختلف جامعه جهانی فراهم می‌نماید. بازخوانی آیات قرآن کریم با محوریت مفاهیم اخلاقی نشان می‌دهد علاوه بر آموزه‌های اخلاقی مومنانه، مجموعه‌ای از آموزه‌های اخلاقی نیز در معرض استفاده «ناس» یعنی عموم انسان‌ها قرار گرفته تا ارتباطاتی مسالمت‌آمیز در میان افراد و جوامع مختلف بشری ایجاد شود. از این آموزه‌های اخلاقی حداقلی می‌توان به عنوان اخلاق اینجهانی نام برد، که مبتنی بر عقل مشترک انسان‌ها هستند. دکتر صانع‌پور با استناد به قرآن نتیجه گرفتند چنین آموزه‌هایی را که موجب همگرایی و مسالمت میان فرهنگ‌های مختلف می‌شود می‌توان آموزه‌های «اخلاق مسالمت» نامید زیرا آیات قرآن کریم:

- ۱- جهانشمول و زمانشمول^۴ است و مصالح همگان را تأمین می‌کند؛
۲. مبتنی بر فطرت مشترک همگان است^۵ تا صلح و امنیت میان افراد و جوامع مختلف را تأمین نماید؛
۳. مبتنی بر رحمت فراگیر است^۶ تا زیست اخلاقی را در جهان تحقق بخشد؛
۴. وحدت گستر است^۷ تا زمینه اتحاد میان جوامع مختلف را بر مبنای اشتراکات انسان فراهم کند؛
۵. استدلال محور است و عقول همه افراد نوع انسان را به رسمیت می‌شناسد^۸ تا موجب هم‌افزایی فرهنگی در میان جوامع مختلف شود؛

^۳ . إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ

^۴ . فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ

^۵ . وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا (سبا / ۲۸)

^۶ . فَطَرْتُ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ (۳۰ / روم)

^۷ . وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷ / انبیاء)

^۸ . يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا (۱۳ / حجرات)

^۹ . فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (۱۷ و ۱۸ / زمر)

۶. انسان بما هو انسان را تکریم می‌کند^{۱۰} تا مانع تبعیض میان افراد و جوامع شود؛

۷. عدالت محور است^{۱۱} تا به بهانه‌های نژادی، جنسی و عقیدتی، ظلمی صورت نگیرد.

رئیس سابق پژوهشکده حکمت معاصر برای صورت‌بندی مفهومی «اخلاق مسالمت» با استناد به قرآن این صورت‌بندی را در سه سطح امکان‌پذیر دانستند: (۱) مبانی انسان‌شناسانه؛ (۲) زمینه‌های زیست اخلاقی؛ (۳) اصول اخلاقی. سپس ایشان به توضیح سطح اول از این مجموعه پرداختند.

(۱) مبانی انسان‌شناسانه

اولین مبنای انسان‌شناسانه «اخلاق مسالمت» در قرآن **فطرت مشترک انسان‌ها** در طول تاریخ و عرض جغرافیا است. هرچند ملل و اقوام مختلف آداب و سنن متنوعی دارند اما دارای مشترکاتی فطری هستند که زندگی جمعی را امکان‌پذیر می‌کند؛ زیرا در غیر این صورت تجربیات پیشینیان موجب متکامل شدن نسل بشر نمی‌شد. این اشتراکات فطری و ذاتی، با سنت‌های مختلف و تغییرپذیر جوامع متکثر انسانی تعارضی ندارند. قرآن کریم با امت واحده خواندن همه افراد بشر از این وحدت ذاتی سخن می‌گوید.^{۱۲} بنابراین افراد نوع انسان باید به گونه‌ای جمعی اهداف وجودی‌شان را برای رسیدن به آرمان تکوینی انسانیت دنبال کنند. بر اساس کلیدواژه «ناس» آیینی جهانی از قرآن برداشت می‌شود که قواعدی حداقلی را هماهنگ با فطرت و عقلانیت انسان‌ها در کلیه زمان‌ها و مکان‌ها عرضه می‌کند؛ قواعدی مانند عدالت اجتماعی، حقوق اجتماعی مساوی، و نیز محکوم بودن تعدی به حقوق دیگران.

دومین مبنای انسان‌شناسانه «اخلاق مسالمت» در قرآن، **به رسمیت‌شناختن همگان** و فرعی تلقی نکردن غیرمسلمانان است آنجا که قرآن می‌فرماید «این کتاب برای عموم مردم تبیین و هدایت‌کننده است»^{۱۳}. زیرا خداوند متعال، از روح خود در کالبد همه انسان‌ها دمیده و از همین رو گرامی‌شان می‌دارد^{۱۴} بنابراین قرآن علاوه بر مسلمانان، در بسیاری از آیات با عبارت «یا ایها الناس» عموم مردم را خطاب قرار می‌دهد، و پیام‌هایی اینجهانی

^{۱۰} وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرُوجِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ (۷۰ / اسراء)

^{۱۱} لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقَومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (۲۵ / حدید)

^{۱۲} كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً (۲۱۳ / بقره)

^{۱۳} هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۱۳۸ / آل عمران)

^{۱۴} وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرُوجِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (۷۰ / اسراء)

به ایشان ابلاغ می‌نماید.^{۱۵} توجه به این مبنای انسان‌شناسانه، اولاً) تعارض من / دیگری را نفی می‌کند و مانع از تبعیض‌های نژادی، طبقاتی، جنسیتی، دینی و فرهنگی میان افراد و جوامع مختلف می‌شود. ثانیاً) علاوه بر مخاطبان خاص قرآن یعنی مومنان، مخاطبانی عام را نیز دعوت به خواندن قرآن می‌کند زیرا تبیین و هدایت عموم مردم یکی از ویژگی‌های قرآن کریم است.

سومین مبنای انسان‌شناسانه «اخلاق مسالمت» در قرآن، برادری و برابری تکوینی انسان‌ها است که مستلزم مساوات حقوقی ایشان در همه جوانب حیات اجتماعی است. آیه ۱۳ سوره حجرات^{۱۶} دعوت عموم بشر، به تشکیل یک جامعه واحد، منسجم، عادلانه، و نوع‌دوستانه است؛ دنیایی که در آن، همه انسان‌ها با هر فرهنگ و نژادی، از حقوقی برابر برخوردار هستند.

چهارمین مبنای انسان‌شناسانه «اخلاق مسالمت» در قرآن، اعتدال‌گرایی و حق‌جویی ذاتی عموم انسان‌ها است که قرآن از آن با واژه حنیف یاد می‌کند^{۱۷} واژه قرآنی حنیف به اعتدال‌گرایی نوع بشر اشاره دارد که تنوعات جغرافیایی، تاریخی، نژادی، جنسیتی و دینی در آن تغییری ایجاد نمی‌کند. انسان‌ها ذاتاً به تعادل گرایش دارند؛ حتی اگر شرایط محیطی، الفاکنده افراط و تفریط باشد. اعتدال‌طلبی انسان همواره او را به نیکی دعوت می‌کند و از شر باز می‌دارد

پنجمین مبنای انسان‌شناسانه قرآن برای صورت‌بندی مفهومی «اخلاق مسالمت» آزادی انتخاب و استقلال رأی است. زیرا اراده آزاد، یکی از صفات ذاتی خداوند است که به جانشینش بر روی زمین یعنی انسان اعطا کرده است.^{۱۸}

در قرآن کریم آمده است «اگر خداوند می‌خواست، همه مردم روی زمین ایمان می‌آوردند پس آیا تو مردم را مجبور می‌کنی تا مومن شوند؟»^{۱۹} در این آیه خداوند ایمان و دینداری اجباری را مورد نکوهش قرار داده است

^{۱۵} «يا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالًا طَيِّبًا» ۱۶۸/ بقره؛ «يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» ۱۷۴/ نساء؛ «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ۱۳/ حجرات

^{۱۶} «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»

^{۱۷} فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيُّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰/ روم)

^{۱۸} وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۶۵/ انعام)

^{۱۹} وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۹۹/ يونس)

زیرا سلب اختیار افراد نوع انسان، ایشان را از انسانیت ساقط می‌کند. درحالی‌که ایمان نیاوردن، فقط ایشان را از زمره مومنان خارج می‌کند و انسان نبودن، بدتر از مومن نبودن است.

ششمین مبنای انسان‌شناسانه «اخلاق مسالمت» در قرآن، استدلال‌گرایی مبتنی بر عقلانیت حق‌جویانه است. خداوند بر خود واجب می‌داند آموزه‌های اعتقادی اسلام را در قالبی استدلالی - برهانی عرضه کند و پذیرش این آموزه‌ها را به قابلیت‌های عقلانی انسان واگذار نماید تا پس از تفکر، تجزیه، تحلیل، تعقل و تدبیر براساس اراده آزاد خود ایمان بیاورد. قرآن کریم از این فرآیند برهانی سخن می‌گوید آنجا که می‌فرماید «ای مردم، برهانی از جانب پروردگارتان برای شما آمد؛ و ما نور و آگاهی تبیین‌کننده‌ای را به سوی شما فرو فرستادیم»^{۲۰}

۲۰. يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا (نساء/۱۷۴)